

آنکه می-دانیم که فردوسی شاهنامه به غزنوی برای دریافت صلح . به دلیل: آنکه غزنوی ترک- ای که مادری- ترکی تنها کمی عربی می- فارسی هم -که درباریان - تنها می-فهمیده عادی به نمی-گفته . بنابراین شیفته-ی روایت‌های سنگین حماسی این . گذشته این، سنی متعصبی هم بعید به روایت‌های شاهان پیش علاقه- . چنانکه تذکره-ها تاریخ‌ها نیز به این -های وی . دومین دلیل آنکه فردوسی شاهنامه خورشیدی به پایان این زمانی که یازدهمین سپری می-کرد. فردوسی شاهنامه پیش کرده به این ترتیب -ی -یعنی - حکومت سامانیان . بنابراین ناممکن که به که بعید می‌نماید، به این کار .

آنکه می-دانیم که کشمکش فردوسی تعقیب غزنویان مکالمه-ی وی غزنه که تاریخ سیستان روایتش کرده جریان فردوسی سپاهیان می- [] جعلی . این‌ها هایی عوامانه هستند که عادی زندگی‌نامه-ی مردی که به زندگی ایشان تنیده- . چنین می-نماید که هجونامه-ی -ی غزنوی بعدها کار فردوسی چنانکه نظامی هم تصریح که هجونامه به اسپهبد شهریار فروخته بدیهی که فردوسی شعری چنین هجو می- دیگر نمی- به به پایان -ی فردوسی این شهر که چنین . این تقریباً بدیهی که درگیری فردوسی غزنه بی-توجهی شاهی ترک به شاعری ایرانی که به منتهی . اینکه این هم مکالمه-ای اشته یا فردوسی تعقیب یا فردوسی هجونامه-ای چنین نوشته همچنین اینکه فردوسی به همین دلیل پایان راهی پیموده بیشتر به افسانه شبیه واقعیت. به باید مهرداد بهار هم- که منکر فردوسی به غزنه .

توجه به آنچه که روایت‌های به فردوسی قطعیت چندانى نباید عنصری زندگی‌نامه-ی وی پذیرفت. این ماجرای بددینی عنصری که همه تکرار می نه تنها تاریخی تذکره-ها، که به غایی این -یعنی شاهنامه نیز می- این داوری کرد. برای بررسی دقیقتر این نیست به روایت‌های به دین فردوسی پردازیم: نظامی عروضی سمرقندی، که گفتیم، فردوسی به رافضی مشهور می- [] این نامی که به اسماعیلیه یا زیدیه می- . می‌گویند ری (هجری) مجدالدوله‌ی دیلمی به ه به شاهنامه کرد [] این همان زمانی که این شهر به کشتار فیلسوفان کتابهای رافضیان .

عبدالجلیل قزوینی رازی که مدتی نظامی به -ی فردوسی شاعری شاعری می- که شیعه که هنگام مشهور برای اسماعیلیه یا زیدیه . قزوینی کتاب (نوشته‌ی .) فردوسی قدیمی‌ترین شیعه‌ی پارسی دانسته [] که به شهرت این گرایش دینی .

الاهی‌نامه-ی شیخی که تدفین می- فردوسی کافر می- [] چنین می-گوید که: چنین که فردوسی بسی همه کسی به گبرکان عمری به بی کار این ریا نیست چنین نیست به این ترتیب فردوسی به تدریج شهرتی یافته که سویی شیعه‌گری سوی دیگر گبری زرتشتی-گری پیوند .

یازدهم هجری، انوشیروان پارسیان هند داستانی دویست بیت -ی فردوسی ی درباریان زرتشتیان دلیل این بی که زرتشتی فردوسی پافشاری-ای داشته این همان متنی که بعدها به اروپایی همچون سندی زرتشتی فردوسی تلقی .

این شواهد ه ترکیب کنیم، به این -بندی می-یابیم: (ستایشی که فردوسی پهلوانان شاهان غیرمسلمان کرده همان تهمت بددینی متوجه ساخته . (فردوسی به رافضی متهم به همین دلیل غزنوی مشکل .

(فردوسی وردگی غزنه، به امید پشتیبانی مالی به که هنگام پادشاهانی زرتشتی یا اسپهبدان پادوسبانیان حکومت می-کردند واپسین فرهنگ ساسانی اسلامی . این شاهان گرامی حمایتش کر .)
(فردوسی جلوهگیری کردند.

تاریخی

برای فهم شرایطی که فردوسی می-زیست، زمینه-ای که این تهمتها بدگویی-ها پدیدار می- به هدف می- باید نگاهی سریع به فرهنگی که فردوسی بیندازیم. فردوسی خورشیدی (. . .) (قریه-ی منطقه . طبقه-ی دهقانان ساسانی همچون نوعی بقه-ی مرفه ریشه- می-کرد، به سیاستها برنامه-های انوشیروان پدید . این طبقه دیرزمانی فردوسی نیز همچنان نگاهبان میراث فرهنگی ایران می- . طبقه-ی دهقانان ساسانی شکلگیری آیینهای اعتراضی مردمی خلفای همچون بقایای طبقه-ی ساسانی شکل گیری موضوعی بسیار مهم که باید به زمانی دیگر گذاشته . تنها اینجا به این نکته می-کنم که دهقانان نمایندگی -ترین طبقه-ی اقتصادی اجتماعی ای ساسانی، مناسک ایرانی کهن نیز . زایش فردوسی زمانی که شاهان سامانی می- طاهریان نخستین ایرانی این منطقه تاسیس کرده . شاهان سامانی به ساسانی می- حامی پارسی گرانیگاهی که پیدایش تکامل فارسی دری تسریع تسهیل کردند. زندگی فردوسی نیروی دیگر این فرهنگ کشیدند. یکی آنها دیلمیان که برای نخستین به برای نخستین شاهنشاه احیا کردند. دیگری غزنویان که ترک جنگجویان زیر تشکیل می-یافت باستانی زیر غزنوی نخستین راستین این دهه-ی فردوسی . این میان، سامانیان همان رواداری دینی میان ایرانیان می- . که دقیقی زرتشتی به -ی فیلسوفان مشایی متکلمان . ناگفته که ظهور رسمی به فارسی دری - حرکتی که شهید بلخی رودکی رسمیت یافت. همین شاهان ممکن . سامانیان به مناسک آیینهای کهن ایرانی دلبستگی دانشهای باستانی ایرانی ترویج می-کردند. این ظاهر خلفای عباسی دین ایشان -یعنی سنی- پذیرفته . نامهای ایشان نیز همین نکته . که - که میان عباسی رایج - میان شاهان این به می- . فردوسی چنین هوایی شاهنامه کرد. یعنی موقعیتی که نیروی ایرانی - بویه ایران زمین حاکم شکلی افراطی خلیفه فرهنگ تازی به نمایش می- . فردوسی این حلقه-ای زنجیره-ی طولانی سرایندگان ی که رودکی دقیقی روایتهای باستانی ایرانی - شیرین یادگار زیربان- به فارسی دری می- فرهنگ پهلوی به دری عهده گرفته . ایشان نیز دنباله-ی اندیشمندان بزرگی که مشابه همین ک ابتدای اموی که تساهل نژادی زبانی بسیار کمتر عرصه-ی عربی به این شرایط، چنین می- که هم به همان سرنوشتی که پیش مقدونیان رومیان . یعنی سه زمینه-ی فرهنگ ایرانی هضم دستاوردهای تمدنی خویش این شبکه-ی ناهمگون دیرپا غنی- . این نیروی دیگری به ، این الگوی پیشگیری کرد. این نیرو، به نژادی زبانی ترکی می- نخستین نمایندگان غزنویان . همچون زیرشاخه-ای نظامی سامانیان کشیدند. وقتی به حکومت رسید، درنگی کوتاه، -ی رویارویی دشمنانی قوی پنجه دیلمیان خلیفه هواداری سنی-گری افراطی . این سیاستی که بنیان نهاد قبایل ترکی که وی به ایران نیز پیروی کردند. به این ترتیب دودمانهای ترکی که بیابانهای آسیای مرکزی می به ترکی می- به شاخه-ای ترکیبی - سکا این هواداری افراطی مذهب سنی، خلفای عباسی . به این ترتیب، ایرانی که ماهیتی بیشتر دیوانسالارانه کمتر نظامی اتحادی که میان نظامی ترکی دینی تازی پدید سرکوب . غزنوی نقطه-ی این فرآیند . شرایطی کرد بالید که دیوانی درباری حاکمان غزنه - به تبعیت پیشین سامانی- فارسی توجه به تاریخ هویت ایرانی . این ابتدای کار حکومت زمینه-ای ایرانی کرد. سبکتگین شهریور خورشیدی (.)

حکومت غزنه برای به سامانیان این هنگام وزیر .
 جاویدان کرده . این مردمی خراسانی به فرهنگ ایرانی دلبسته . فردوسی شاهنامه ابیات
 زیادی وی محتوای این ابیات به شکلی که صمیمانه تردیدی باقی نمی- . به ویژه
 که ارائه-ی شاهنامه، بدخواهش به کشیده .
 ماجرای خورشیدی (.) یعنی تقریباً همان زمانی که فردوسی
 شاهنامه- به وی پیشکش می-کرد، سیاست تغییر کوشید جریان ایرانی،
 مشروعیت خلیفه برای حکومت ترکان ایران زمین به این هنگام کرد
 بکشت. سپهسالار وی که امیر سبکتگین نیز جریان این تصفیه کشته . به این ترتیب کودتایی
 غزنه به پذیرفت که جریان نیروهای ایرانی-گرای میان جای به
 -ای .

به این ترتیب آرایش نیروهای سیاسی فرهنگی فردوسی بازبینی کنیم، به این نتیجه می-رسیم که حکیم
 هم موقعیت جغرافیایی هم شیوه-ی کردار هم دلبستگی محتوایی به معنایی که آفریده عضو حرکت
 فرهنگی ایرانیان برای سیطره حاکمان می- . این همان حرکتی که هنگام
 نیروی -ی ترکان به صحنه می- ماجرای درگیری فردوسی هر شدتی که
 نمادی این فرهنگی .

شواهد متنی

این خواهیم به درستی فردوسی دآوری کنیم، باید نهایت به بزرگترین آفریده-ی ذهنی وی، یعنی
 شاهنامه بازگردیم. پیشاپیش باید به این نکته کم که دیدگاه شاهنامه آرای کسانی یط طباطبایی
 می-گیرند که فردوسی هنگام شاهنامه به عقاید خویش هیچ -ای نکرده امانتی کامل تنها
 به رشته-ی کشیده . البته این نکته تردیدی که فردوسی به بسیار
 بسیاری حتی
 بزرگی -ها ماجراهای شاهنامه، که آفریده-ی فردوسی هستند، قضاوتی به خواهد
 . فردوسی به ظاهر روایت ماجراها به می- تاریخهای پهلوی، تازی،
 دری-ای که اختیار داشته، یا روایتهای شفاهی-ای که می-شنیده می- . بسیاری جاها این
 چارچوبها بیرون میان کند. یا -ی شاهنامه کل نسخه-ی
 حماسه-های دینی- کیانی که خاستگاهی زرتشتی ساسانی حماسه-های پهلوانی -سیستانی هم آمیخته
 که این دومی اشکانیان تدوین خاستگاهی سکایی . بزرگترین شخصیت شاهنامه -یعنی - به
 یچ فردوسی همچون ابرانسانی آرمانی که کاملاً تصویر -ی پهلوان سکایی که
 الگوی اولیه-ی فردوسی . این به وفاداری علمی فردوسی به - نباید
 دستمایه-ی نادیده خلافت وی، یا انعکاس ویژگیهای شخصی- شاهنامه . که هر منشی، نهایت
 ردپایی آفریننده- می-کند.

پخته یافته-ای که نظامی همشهریان فردوسی شنید، هر چند بخشهای -ای
 ساختگی روایتی که سیمای مردی که میان اهالی می-زیست کاری چنین کرد جاویدان
 می-ساخته . این گذشته محتوای روایی غنی- به خصوصیات سرسختی، راستگویی، دلبستگی فردوسی به
 -ی بردباری- کرامت می-کند که ردپاهایش به روشنی شاهنامه می-
 یافت. فردوسی بی-تردید شخصیتی برجسته . که مدتی به این کوتاهی، روایتی چنین پرداخته
 زندگی- پدید شاهنامه- که تنها پایان یافتن ری هنگام
 می چهل - . - اسدی طوسی نامه-ی
 یکی دلایل تأثیرگذاری شاهنامه، عظیم محتوایی که برای عزیز -ای کامل
 بی- برای پیکربندی هویت -ی- فراهم می- . این دید بهترین برای فهم دین فردوسی
 فردوسی .

فردوسی بندهایی بسیار شاهنامه به دینی می-کند. این بندها به بسنه به محتوایشان،
 می-گیرند.
 : -ی به باورهای دینی .
 فردوسی شاهنامه واژگانی که دینی بسیار پره . واژگانی یزدان، ایزد شاهنامه
 بسیار تکرار - معنایی مشابه منسجمی تشکیل می-دهند. این هم دانسته

دلالتی یگانه، نیک . یعنی آشکار که فردوسی به خدایی یگانه که آفریننده-ی نیکی-ها هم هست، داشته

فردوسی -ی اوستایی دین که نیز بسیار به کار گرفته . همچنین کاربردهایی که برای واژگانی دینی بهشت، رستاخیز آفرینش . شیوه-ی این ترتیب خاصی بالای تکرارشان می-آید که فردوسی به مفاهیم یاد داشته . این ارجاعها ترتیب خاصی الگوهای میانشان تشخیص . الگوهای که شاید حدودی جهتگیری عمومی فردوسی به معنایی این دهد.

ین اسامی که می- به می- . بیشترین -ای که این شاهنامه تکرار می- "یزدان" . این ریشه-ی یسن که اوستایی نیایش می-دهد. فارسی ژگانی یزد این ریشه باقی - که پهلوی واژگانی مزدیسن دیویسن داشته-ایم، اوستایی هم واژگانی یزدان یسنا برایمان به رسیده . نکته-ی این که تحلیل می- که یزدان خاصی که برای اهورامزدا به کار می-رفته نامهای خدایان - با یزد که این دومی همان ریشه-ی یسن - متمایز . فردوسی -ی یزد -ی / خدای نزدیک به -ی نزدیک به هفتاد به کار گرفته . حالی که یزدان به تنهایی بیش هزار شاهنامه تکرار . که که می- نمادی تنها یک شاهنامه دیده می- بیتهی که الحاقی تقریباً ی . -ی یزدان این بیشتر شاهان شخصیتهایی به کار گرفته که هستند. هنگام پذیرش دین زرتشتی سوی تاجگذاری اردشیر بابکان -های زیادی به این کلمه می-بینیم. هرچند این بسیاری عنایی هم به کار گرفته . این به دقیقی هم که به روایات به برانگیخته یافته دقیقی نیز بسیار دیده می- . دومین -ای که چنین دلالتی . این هم اردی که پهلوانی به کار گرفته می- . که مواردی که فردوسی گویا می-گوید، برای به می-کند این همان که یزدان بیشترین شاهنامه که البته تنها به نیمی تکرار یزدان می- . برای مقایسه-ی کاربردهای این - به این نمونه- کنید:

کیوان ناهید هور

پیل

پیروزی فرهی

دیهم شاهنشهی

رای

نیکی رهنمای

اشکال گوناگونی

فارسی

شرایطی که همتهای تازی این کل شاهنامه دیده

عربی اله هیچ جای شاهنامه نکرده -ی تنها

نمی- می- . فردوسی . ماجراهای اسکندر می-بینیم]:

سوی حیوان

اکبر

خالقی این بیت که حاوی اکبر بی هیچ توضیحی تصحیح خویش شاهنامه

[] . این بیت گذشته -ی اکبر هم به همراه می-گیرد که کل شاهنامه همین

دیگر به کار گرفته . این امکان الحاقی این بیت بسیار . نکنیم که کل

اسکندر سایر بخشهای شاهنامه وصله-ای می-نمایند بیت پردازی بقیه-ی این

حماسه همخوانی . این به شخصیتهایی که به اساطیر سامی قتیب که بقیه-ی

شاهنامه هیچ ای به آنها نیست. جغرافیای ماجراها (یمن، هند، ...) داستانها هم پراکنده ناپرداخته هستند.

عناصری عجیب هم که بعید آفریده-ی فردوسی انسانهای پای، هیولاهای دیگر

یا اسکندر ماجراهایی به زیارت کعبه می که هم تاریخی هم روایی می-نماید.

به همین دلیل هم مهرداد بها کل -ی اسکندرنامه-ی شاهنامه غیراصیل می- . به تازگی آثاری

پژوهندگان دیگر [] که به همین ترتیب این گواهی می-دهند نیز این همراه

هستم.

واژگانی که فردوسی دین به کار گرفته نیز الگویی مشابه پیروی می-کند. فردوسی -ی دین که اوستایی پهلوی بین نهصد هزار شاهنامه تکرار کرده . حالی که واژگانی مذهب شریعت

کل شاهنامه دیده نمی- فردوسی همچنین مهمترین یعنی / کافر نادیده انگاشته این
 حتی یکبار هم به کار نگرفته . تنها موردی که به این می- بیستی دقیقی که کلمه-ی کافر
 به کار گرفته هم غیرزرتشتی . فردوسی به همین ترتیب برای به بهشت نیز همین
 که شکلی کهن ایرانی/ زرتشتی - بهره جسته کلمه-ی که پردیس فارسی اسلامی بهشت
 می-دهد تنها سه به کار گرفته. جهنم کل شاهنامه
 گرفته

فردوسی
 غیاب کلیدواژگانی که تعبیر اسلامی حیات اخروی به دهند، به همراه نادیده کامل مفاهیم تعبیری که
 اسلامی سابقه داشته- دید دلیلی که فردوسی قالبی اسلامی به دین نمی-اندیشیده .
 این نکته که کسی هزار بیت بگوید به این ترتیب هزار به کار بگیرد، این میان تنها
 یک - جعلی بیت یاد - به کلمه-ی کند،
 به کل پرهیز کند، دارای دینی نها برابر نهادهای ایرانی کهنش به کار بگیرد، که
 فردوسی زمینه-ای معناها ایرانی می-زیسته، فضای ذهنی- چنین ساختاری منشها انباشته
 . وگرنه کافی به شاعری قدیمی- - رودکی یا شهید بلخی- یا فرخی
 اسدی طوسی بنگریم ببینیم که دلالتهای به دین بسامدی بسیار بسیار بیشتر فردوسی
 داشته این استثنای مهم می- .

عین -هایی که شاهنامه به به دلیل می- نادیده
 . دلیل که این -ها شماری اندک کل تنها چهار محتوایشان
 حدودی نقیض . یعنی برخی بیتها - که انجامی مشابه به سنی فردوسی
 برخی دیگر علی به روشنی ردیای عقاید شیعه به می- . که این
 جاهایی که پایان دفترهای هفتگانه‌ی اولیه‌ی شاهنامه - نتیجه جلوی - []
 بخواهیم نظامی نادیده بگیریم تهمت رافضی فردوسی همتای دین - معنای کلمه-
 بگیریم، به این نتیجه می-رسیم که ابیاتی بسیار اندک (کمتر سی بیت) شاهنامه، شواهدی برای
 فردوسی به می-دهند، که محتوای شیعی آشکاری . تاکید، این ابیات کمتر
 که شاعری - چه شیعه چه سنی- می- .
 این ابیات جاهایی که شاهنامه گرفته- خصوصیات ویژه که توجه به آنها می-
 کارگشا . برای این که درکی عمیق- -های فردوسی به باورهای اسلامی- به آوریم، باید
 این تحلیل کنیم. که تنها یک کل شاهنامه که نیز به
 بسیار قی -ی فردوسی . هم تنها یک شاهنامه که هم به
 نامه-ی به می- بوی مسلمانی به نمی- . فردوسی
 محتوای نامه-ی می-گوید []:

توحید وعید تایید رسمهای جدید
 ارجاعهای فردوسی به شخصیت‌های دینی اسلامی بیشتر . فردوسی چهار می- . این

: ابتدای شاهنامه : فردوسی چنین می-گوید []:

چه تنزیل وحی نهی
 که خورشید مه
 نتابید کس بوبکر به
 کرد آشکار
 بیاراست گیتی بهار
 هر گزین
 دین

چهارم علی
 که به خوبی ستابد
 که شهر علیم
 این پیغمبرست
 گواهی دهم کاین سخنها

گویی

علی چنین دیگر همین
کزیشان قوی به هر گونه دین
ی اهل بیت نبی
ستاینده‌ی خاک پای وصی

..

داری به دیگر سرای
به نبی علی گیر جای
هر آنکس که
علی جهان کیست

این ابیات چیز می- :

: ابیات که به علی می-دهند، بیش ابیاتی که به می-کنند.
: ابتدای کار خلفای سه گانه - این عقاید غزنه که
سنی شافعی - نکته-ی ذکر این که به هر یک آنها تنها یک بیت پرداخته تقریباً که
فردوسی کتاب برای رعایت سنی- لحنی که زورکی تقریباً ایشان
آراسته کند.

: ادامه-ی این ابیات که به ای سه گانه بیست بیت پیایی که آنها علی تندترین
ممکن حتی بیت به - که سنی-های - گفته .

این چنین می-آید که فردوسی برای پرهیز درگیر کوشیده شاهنامه - که
بیشتر سایر بخشها می- امکان عقاید رایج میان همدل همراه دهد. این
اظهار یکرنگی به قدری فردوسی کرامت پرهیزش ریا ناهمخوان که به سادگی می- به
ساختگی مصنوعی ابیات به خلفای راشدین غیرصمیمانه پی .

بنابراین آشکار که فردوسی سنی به معنای کلمه . وگرنه -ی آمیز به
خلفای راشدین - تنها یکبار ابتدای کتاب- تکرار این به شکلی توهین-آمیز انتهای معنایی نمی-یابد.

-ی اصلی این می- . به راستی فردوسی سه چهار بیت - که به پیغمبر
خدای تنزیل وحی هم می- - برای تهمت بیست بیت بعدی راحتی چنین

عقایدی شیعی کرده حتی به به کسی که “ علی ” هم .. برای
این کار فردوسی تنها یک دلیل می- کرد، هم این که شیعه-ی متعصبی که وقتی به ستایش خلفای
راشدین به کرده بنابراین بلافاصله کوشیده عقاید شیعی

کند. این تفسیر، ایراد که این روحیه-ی شیعی فردوسی سایر بخشهای
شاهنامه نشانی دیده نمی- . علی کل شاهنامه تنها سه هر سه به بخشهایی می-

که فردوسی اسلامی می-گوید. به دیگر، ابیاتی که همین هستند، هیچ -ی
دیگری به علی . این البته شاعری که بیتهای ستایش علی، هم ابتدای
شاهنامه بسیار بعید . به راستی فردوسی شیعه-گری که خطری به

ابتدای شاهنامه- -ای کوتاه سرسری به خلفای سه گانه، بیانیه-ای عقاید شیعی
کند، می-بایست اینقدر هم این دغدغه-ی داشته که جایی دیگر هم به این نماید.

سراینده-ای که هزار بیت ستایش جوانمردی جنگاوری به توصیف ابرانسانهای مذهبی
غیرمذهبی نیز کرده کاملاً بعید که به علی داشته هیچ -ی دیگری به نکند.

بنابراین چنین نمی-نماید که این ابیات شیعی فردوسی، برای سه بیت .
به یک بندی، می-کنم نخستین -ی فردوسی به پابندی- به دین نکته به روشنی می-آید:

یکی که این ابیات برای همرنگی سرهم کرده می-خواستند کتابش دید مخاطبانی درباری
بنماید، ذکر زورکی این همین که فردوسی که چیره دستی- جای تردید

این شکست حتی نیز ساختگی آشکار . دومین نکته این که بخشی مهم این
اعتقادنامه-ی اسلامی، شیعی که حتی قلبی فردوسی هم نمی-بایست

کتاب چنین لحنی نوشته . همین که -ی بیست بیتی که به ستایش علی
یافته، الحاقی یا راوی-ای که نی بسیار نزدیک به فردوسی می-زیسته به

کتاب

کسی که این ابیات به شاهنامه
 راوی یا ناسخی شیعه که توجه به
 زیاد این ابیات نسخه-های
 شاهنامه، به زیاد همشهری
 عصری نزدیک به می-زیسته . که می-دانیم
 هنگام بیشتر اسماعیلی زیدی - این به علی هم- هستند اشکال
 شیعه-گری می- . این سراینده-ی ابیات یاد کسی که عقاید شیعی تندی داشته سه
 بیت فردوسی خلفای راشدین کوشیده به این ترتیب ابیات خوشامدگویانه آشتی-جویانه
 بزداید.

یک شاهد دیگر الحاقی این ابیات، این که
 کلماتی وصی، نبی، تنزیل، وحی
 -بندی- بقیه-ی بخشهای شاهنامه . این بیتها
 گرفته که سایر بخشهای شاهنامه به
 الحاقی نبی تنها یکبار ابیاتی مشابه
 وحی سایر بخشهای شاهنامه . این دید
 آشکار که این بیتها فردوسی
 دومین بی که فردوسی به عقاید اسلامی-
 می-کند، پایان اسکندر . فردوسی ابیاتی که
 به شکایت خویش می- ناگهان سه بیت پایان می-دهد که محکمی بیتهای
 پیشین . فردوسی می-گوید]:]
 ای

چه داری به پیری

داشتی

به پیری بگذاشتی

...

نیست نزدیک

رای تاریک

کاج هرگز نپورددییی

بودی نیازددییی

هرانگه که زین تیرگی

بگویم جفای

...

محتوای ابیات به روشنی بیانگر . فردوسی پیری احوالی می- لحنی
 می-کند که کتابی قانونی .
 به حواله می-کند می-گوید که اصلی این بیداد، آشکارا اینجای کار
 سویی مدارانه خودمدارانه سوی دیگ بوی سرکشی طغیان می-خیزد. این
 که ناگهان فردوسی سه بیت پایان می-دهد]:]
 به یزدان گرای به یزدان
 هرچ باید

سپهر

ی ناهید مهر

به یارانش هر یکی

سومین این به روایت فردوسی اندرزهای اردشیر ابکان می- شاهی که آشکارا زرتشتی
 کیشی پندنامه- به که دقیقا ابیات این اردشیر به ردهای باورهای زرتشتی به
 روشنی می- باز یافت. فردوسی چنین می-گوید]:]

اشاک ناچیز

به هستی یزدان

به یارانش هر یکی

یاران علی

که علی ولی

چهارمین انتهای انوشیروان بزرگمهر . که فردوسی می-گوید]:]

گوید خطیب

بدین گراید صلیب
همی این نامه
نهان خورشید کیوان

سنایش به

زمانه وی

سپهر

جهان

هند

بتیغی که

رومی

وای به رفت، همین چهار خلاصه می- . مواردی که

های فردوسی که

هم اشتراک :

این چهار نقاطی کلیدی شاهنامه هستند. یعنی جایی که بخشی پایان می-یابد، یا بخشی مهم

می- . یعنی جاهایی که یا پایان دفترهای شاهنامه-ی اولیه بیشتر به می- [] .

این بخشها لحنی رسمی، به ابیاتی که سنایش علی ابتدای شاهنامه به

ی- فردوسی نیست، هیچ شوقی این ابیات دیده نمی- . -ها بسیار حداقلی کاملا

که برای پرهیز به کلیدواژگان دینی رایج -ای کند.

کوتاه این ابیات، پراکندگی پیوند بخشهای به پیشین، می-دهد که این

بخشها به فرمایشی غیرصادقانه . -

به استثنای یکی این یعنی سه بیتی که کندر - فردوسی -

این -ها مواردی گرفته که فردوسی به می- . یعنی توبه-ی فردوسی

شکایتش کنار بگذاریم، فردوسی مواردی به خویش به دینی اسلامی کرده، که پیش یا

() به

نتیجه-ی این مقایسه-ی تحلیلی ابیات شاهنامه به روشنی می-دهد که -های وی به به دین محمدی نباید

جدی . کل، هیچ مسلمانی نداریم که هزار بیت بگوید تنها چهار

به عقاید اسلامی کند، که یکی آنها هم دنباله-ی شکلی کفرگویی بقیه هم پیوندی

ثنایی غیرصمیمانه ساختگی داشته .

گذشته این غیاب به اسلامی شاهنامه، -های دیگری که به غیاب این می-کنند. پیش

این به نامه-ی پیشگویی- ظهور پیامدهای چیرگی تازیان ایران مین کردیم.

فردوسی کمی پیش هنگامی که محتوای نامه-ی به سپهسالار ایران می-دهد، به

چنین توصیف می-کند] :]

بتازی یکی نامه

پدیدار کرد

جنی آدمی

پیغمبر هاشمی

توحید وعید

تأیید رسمهای جدید

مهریر

جوی شیر

کافور معین

بهشت می انگبین

بپذیرد این دین

به شاهی شادی

همان همان

همه ساله بوی

شفیع گناهش

باید پذیرفت که این ابیات بهترین طعنه-آمیز هستند، شاعری که به داشته بعید . این

کنار این حقیقت باید دید که -های فردوسی هنامه به تازیان، -هایی آشکارا شعوبی . تازیان به

تندخویی عهدشکنی- می-کند، شخصیت‌های منفی کلیدی - سودابه ضحاک- که هر نیرو پهلوانی بی-بهره- این معرفی می-کند.

این شواهد به ویژه محتوای فردوسی سنجیده می-نمایند. فردوسی جای جای شاهنامه به بزمهای پهلوانان حماسه- کرده این نکته که پهلوانان به شرابخواری می-گساری

- تصریح . این آشکار آرای مسلمانانی که می- همراه آیینها باورهای قدیمی ایرانی که نوشیدن می-داشته- . به همین ترتیب، چارچوبی که فردوسی شاهنامه ترسیم می-کند، کاملا آنچه اسلامی سابقه به روشنی شاهنامه ادیده انگاشته رگه-هایی -سالاری کردار پهلوانانی مادینه گردآفرید دیده می- که سایر پهنه-ی ادبیات فارسی نظیر .

به همین ترتیب، که رعایت شعری کلام نیز یگانه-ی دهر الگویی تکرار بی-تردید انتخابی، که بعید وی داشته به پیشقدم برقراری رابطه-ی جنسی تاکید می-کند. زنانی که پهلوانان شاهنامه می-گیرند، به شوهر یا می-کنند، پیشنهاد آمیزش به ایشان پیش می- عرصه-ی اجتماعی نقشی مهم برای تعیین جایگاه خویش -ی پدري- ایفا می-کنند. تمهینه-ای که به می- جای پای رودابه-ای می- که به همسری برمی-گزیند شاهنشاه ایران منوچهر می-آید. به همین شکل رابطه-ی منیژه بیژن، فرنگیس سیاوش، حتی شخصیتی منفی سودابه سیاوش.

همچنین کردار پهلوانان شاهنامه-ای - به ویژه - هیچ شباهتی هموارد خویش -یعنی اسفندیار که دی زرتشتی - مردی -ی سلسله آسمانی نیست. آشکارا موجودی یاغی که کسی نمی- حکم -ای آنچه که کرده نمی-پذیرد:] []

کشد که هر اختری لشکری برکشد به بشکنم لشکرش پراکنده به هر کشورش

دلیل برتری شخصیت وی تمایزش پهلوانانی سبک آخیلس آژاکس هرکول زیگفرید هم که بهره-ای بسیار کردگار همچون کنش متقابلی سویه صمیمانه که قالبهای رسمی سنتهای نمی- که شاهنامه همان کسی که برترین پهلوان ایرانی -یعنی اسفندیار- پای می- این رویارویی، که بی-تردید آفریده-ی یل فردوسی جدای تراژیک نیرومند بسیار هنرمندانه جذابی که مفهومی هم می-نمایند هم سرکشی نیروهای رسمی . این نکته که هم کشنده-ی دیو سپید - نماینده-ی دیوها- شاهنامه هم اسفندیار پای می- که فردوسی پهلوان خویش موقعیتی "فراسوی نیک" تصویر کرده این آشکارا پهلوان ایمان تسلیم -ی پیامبرش خلیفه-ی وی، می-کند.

اخلاقی هم که شاهنامه تبلیغ می- اسلامی شاهنامه -ی چندان به مناسک دینی دیده نمی- مراسمی زیارت مکانهای که به هر ایران پیش هم ریشه داشته- به نادیده انگاشته - په کمک یزدان کاری دیگر نمی-کنند قربانی کردن هوم، به یا دینی - خبری نیست. شاهنامه، اسلامی، دیگری نه ایزد به موجودی که معانی نیک سنجه-ی کردارهای کاسته . اساطیر یونانی که خدایانی گونه سیر بسیار می-کنند، اساطیر صوفیانه-ی اسلامی که ردپای ظهور -ها یا بلاهای الاهی می- دید، شاهنامه تقریبا بازنشسته دخالتی سیر . آسمانی-ترین موجوداتی که جریان مداخله می-کنند، سیمرغ دیوها هستند، گهگاه هم که جایگاه زرتشتی خویش کرده خبری برای پهلوانی -ی- نقشی جزئی ایفا می-کند. بارها به منجمانی که دیدن زایچه-ی کودکان تعبیر رویاها آینده پیش-بینی می-کنند این بیشتر به بابلیان ایرانی پیشازرتشتی شباهت که ایزدان اختری نیروهای آسمانی متکثر می-دیدند.

توجه به این شواهد، چنین می-اندیشم که فردوسی محیط طباطبایی، زمین-ای فکری می-خاسته که بیشتر اساطیر جهان بینی کهن ایرانی ریشه داشته . این که فردوسی شیعه یا سنی همین پایه -های فردوسی به باورهای شیعه یا سنی شاهنامه، کمابیش یکسان

ردوسی

گزینه-ی فردوسی، نیرومندترین احتمالی که دید پژوهشگرانی نلدکه باقی می که
 فردوسی زرتشتی . البته شواهدی نیز این . که فردوسی -هائیش به
 دین زرتشتی بزرگداشتی بیش دین رعایت کرده، یکی بیت پراکنده، همه دین بهی مزدایی
 یاد کرده . که کل -هائیش به دین زرتشتی بسیار بسیار اسلامی . که
 بیست مفهوم دین بهی یک به دویت به کار . همچنین دریغی که جریان روایت
 حمله-ی به ایران حکیم می- تنها به جنبه-ی ملی ساسانیان نمی- حدودی
 این شاهنامه عناصری هم که به زرتشتی فردوسی می-کنند.
 مهمترین برجسته-ترین جنبه-ی این که فردوسی تنها یک زایش
 به جای روایت کردن هزار بیت دقیقی بهره . یعنی فردوسی
 شکلی غیرمنتظره کرده . فردوسی دیگر عینا کند، امری غیرعادی
 بیافریند فصلی ناگفته اثری شاعری دیگر عینا کند، امری غیرعادی
 می-کرده . البته فردوسی برخی به چنین کاری شاعرانی که شاخه-هایی اساطیر
 شاهنامه-ای می- روایت اسفندیار عینا شاهنامه خویش کردند. این
 کار پیش فردوسی سابقه نداشته هم تنها به تقلید می- تلقی می- .
 فردوسی اینکار غیرمعمول به شکلی ویژه . که کاملاً رعایت کرده، به پیشگام دقیقی
 شاهنامه، گفتگوی تاثیر تشویقهای شاهنامه، این که دقیقی به
 روپایش به این کار گفته . فردوسی ابتدای شاهنامه می-گوید]]:
 جوانی بیامد

به این نامه

جوانیش خوی یار

همیشه به پیکار

کرد

نهادش به یکی تیره

خوی شیرین

جوانیش یک

یکایک برگشته

به یکی کشته

این نامه ه

بیدار خفته

الهی کن

بیفزای

به این ترتیب، فردوسی آشکارا برای دقیقی قابل
 منتهی به - به نیکو رفتاری خردمندی می-ستاید. فته که این بیت آخری، هم به دلیل
 هم به واژگانی الهی، که سایر بخشهای شاهنامه به کار نرفته- باید الحاقی
 کسی به اصلی که به دلیلی - روشناسانه شریک دقیقی، نه دین -!
 همدلی می-کرده به آمرزیده امید داشته .
 این حرفها، که نلدکه کرده، می- نتیجه که فردوسی روایت دقیقی زایش ماجرای
 دین همداستان . این همداستانی بی تردید داشته، حدی زیاد که فردوسی ترجیح دقیقی
 به جای متنی که می-بایست بسراید، کند. توجه به این که دقیقی زرتشتی سرسختی هزار بیت
 -نامه- هم بارها به حقانیت دین زرتشتی کرده، به سادگی می- این حرکت فردوسی
 توجه به غیرمرسوم نشانه-ای زرتشتی . به تکرار زیاد -ی یزدان
 نیز شاهنامه داشته باشیم.

دیگر دقیقتر به شاهنامه گریم، به تصویری دیگر می-یابیم. فردوسی به راستی زرتشتی می-می-بایست بسامدی بیشتر به دین زرتشتی کند. هرچند به دین بهی بسیار کرده، شیوه-ی بیانش به شکلی که پادارش به نتیجه نمی-دهد. فردوسی شاهنامه- به مهمی اهورا، هرمز (به معنای نه شاهی ساسانی) مزدیسنا، یسنا، یشت، نسک هیچ -ای نکرده .

-ی کشتی همواره ترکیب کشتی نه به نشانه-ی دینی زرتشتیان، به کار گرفته هیچ اعی به کلیدواژگان دینی زرتشتی، جمله دعاهای مشهور مهم ایشان شاهنامه به نمی- این حالی که برخی آنها (و هو) آوایی وزنی شاهنامه همخوانی بسیار .

همچنین -های هجده-گانه-ی به (که شاهنامه به وزنی به شکل) به یک ترکیب خلاصه می- . این حالی که تفسیرهای نوشته زرتشتی-گری دین بدین پایه همتا همراه دانسته نمی- . البته تنها یک شاخه گرایشهای دینی ایرانی - که -یعنی تفسیر- همپای می- - آنها هم مزدکیان که همین دلیل نزدیک (زندیق) نامیده می- . بنابراین -ی فردوسی به نیز، بخواهیم موشکافی به دهیم، بویی مزدکی . عین فردوسی هنگام روایت ماجرای مزدک به روشنی انوشیروان هواداری می-کند می-دهد که مزدکی هم نیست.

-های فردوسی به هم، بیشتری که به اسلامی سنایش تکریمی بیش نیست یک این به ترکیبی " زردشت" می-کنند. بنابراین به همان ترتیبی که غیابی آشکار برداشتهای اسلامی فردوسی به غیابی مشابه دین زردشتی هم می- کرد. این که فردوسی -هائیش به دین مزدیسنا -های کم- به دین انتهای فصلها نقطی که می- متمرکز نکرده پراکنده . همچنین طعنه-آمیز -ای که فردوسی برخی اسلامی می-دهد، دین زرتشتی نشانی به نمی- .

توجه به این نکات، شاید پرهیز فردوسی روایت کردن ماجرای کردن این به دقیقی، وی، ترفندی برای خودداری به موضوعی که تمایلی به - ته . فردوسی گویا گرایشی دوگانه دین زرتشتی داشته . سویی احترامی که برای دقیقی قایل امانتدارانه-ای که یک زرتشتی این دین داشته، گرایشش به مزدیسنا می-دهد، سوی دیگر جسته گریخته کم -های به این دین پایبند به نمایش می-دهد.

که فردوسی برای دین ایرانیان احترامی قلبی قایل بی که به داشته به همین دلیل هم ترجیح شاعری به این دین ک . که به دلیل به نمی-خواسته نمی-توانسته چنین روایتی به دهد. کوتاه که فردوسی، به دلیل مسئله-برانگیز روایت که سرایش به دیگری کرده . جدای این پرهیز اندک، به دلیل دیگری زرتشتی فردوسی محتوای حماسی اسفندیار .

که می-دانیم، یا ویشناسپ اساطیر زرتشتی شاهی . نخستین شاهی که به آیین می- پیروی راستین برای وی می- . زریر، نخستین شهید دین زرتشتی اسفندیار بزرگترین پهلوان این دین . دقیقی، بخشی که به نامه شهرت یافته کاملا چارچوبی زرتشتی به این شخصیتها پرداخته بی-تردید یکی اصلی- یادگار زریران که متنی دینی .

فردوسی بخشی -نامه دقیقی همداستان . نیز اسفندیار همچون پهلوانی اخلاقی می-ستاید، به پیوند می-کند، هفت می-کند. داستانی که نهایت به رویین اسفندیار، شکست ناپذیری- منتهی می- . این فردوسی به ابداعی غیرعادی می- . هم این که بزرگترین قهرمان دینی ایرانی -یعنی اسفندیار- فرازی دیدنی شاهنامه، بزرگترین قهرمان ملی ایرانی - یعنی که آفریده-ی - می-دهد. این درگیری میان ابرپهلوانی دینی ابرپهلوانی ملی، به این شکل اساطیر سایر شاعرانه نیرومند محتوای معنایی استعاری زیبایی بی-تردید باید یکی شاهکارهای حماسه سطحی جهانی .

دید فردوسی، شاهی طمعکار که ه توانمندی رشک می- می-کوشد نکه . برای مدتی زندانی می-کند، هم به این که کسی میدان خواهد شرطهایی ناپذیرفتنی روانه-ی تهمتن می-کند. ین کشته اسفندیار رویارویی این ابرپهلوان، ماجرای سهراب که همین پایه دلکش تنها نتیجه-ی تصویر کردن نیست، که -ی شاهی -ی به می- . فردوسی سویی تصویر کردن این سوی دیگر چیره اسفندیار، روایت زرتشتی می-

حدودی نقیض به تصویر می-کشد. استعارای اسفندیار، نیاز به کنکاشی
گفتنی بسیار . اینجا باید به همین کرد که اسفندیار
استعارای نهفته - اسفندیار، سیمرخ، گزین، بدخواهی
به دین زرتشتی اساطیر به این دین .

نتیجه

که به زیاد فردوسی یکتانگار یعنی به خدایی یگانه داشته می‌پرستیده
هرچند درجه‌ی تاثیرگذاری‌ای که برای قابل سایر هم .
که فردوسی توجه به تحلیلی که شاهنامه کلیدواژه‌های به قدسی به دادیم، به زیاد
که اسلامی تنها به برای کرده جاهایی که چنین
ضرورتی ته محتوای به شباهتی .
که فردوسی زرتشتی بیرون به دینی زرتشتیان می‌نگریسته . هرچند برای این دین به
میراث باستانی ایران می‌گذاشته .
کتابنامه
فردوسی طوسی، شاهنامه (نسخه‌ی مسکو) پیمان، .
نلدکه، حماسه‌ی ملی ایران، ترجمه‌ی علوی، جامی، .
محیط طباطبائی، سید دین مذهب فردوسی، : فردوسی شاهنامه (مجموعه) (به کوشش علی دهباشی،
مدیر،
زریاب خویی فردوسی طبری : فردوسی شاهنامه (مجموعه) (به کوشش علی دهباشی، مدیر،
نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، تصحیح معین، .
تاریخ سیستان، تصحیح ملک بهار پدیده ی تهران،
شوشتری، سید شریف لدین المومنین، دارالطباعه علیقلی، تهران،
ریاحی، محمدمین، فردوسی، زندگی، اندیشه
ریاحی امین، سرچشمه های فردوسی شناسی، مؤسسه تحقیقات فرهنگی،
قزوینی رازی، شیخ نصیرالدین، الدین ارموی تهران
نیشابوری، شیخ فرید الدین، الهی نامه، تصحیح روحانی، کتاب فروشی تهران،
قزوینی، زکریا بیروت، بیروت،
خوافی، فصیح الدین، فصیحی، تصحیح کتاب فروشی مشهد،
سمرقندی، تذکره تصحیح لاهور،
مقدمه ی شاهنامه ی بایسنقری، شورای مرکزی شاهنشاهی ایران، تهران،
ابراهیمی، فرشید، اسکندر مقدونی به روایت -های پهلوی، ابریشمی-
فردوسی، شاهنامه () به تصحیح خالقی امیدسالار، مرکز دایره
اسلامی،

- [] [نلدکه،
- [] [محیط طباطبائی،
- [] [زریاب خویی،
- [] [] [نظامی عروضی، : -
- [] [تذکره ی (: -) نوشته
- [] [مقدمه‌ی شاهنامه‌ی بایسنقری، : -
- [] [] [نظامی عروضی، : -
- [] [تاریخ سیستان، : -
- [] [] [نظامی عروضی، : -
- [] [ریاحی : -
- [] [قزوینی رازی،
- [] [] [] [: -

فصیحی (: -) هزار

- [[مقدمه‌ی شاهنامه‌ی بایسنقری، : - .]
- [[فزونی، : - .]
- [[شوشتری، : - .]
- [[[نظامی عروضی، : - .]]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه به تصحیح خالقی : - .]
- [[ابراهیمی، .]
- [[ریاحی، : - .]
- [[شاهنامه مسکو: .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[ریاحی، : - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]
- [[شاهنامه مسکو: - .]